



ضرورت تشکیل شورای عالی معلولان

مرتضی کتیرایی

مشاور وزیر در آموزش و پرورش استثنایی

علی اصغر کاکوجویباری

رئیس پژوهشکده کودکان استثنایی

سرنوشت و آینده جامعه در دست نخبگان ملت است و آنها مدارای یکدیگر را شاخص مدنیت و بلوغ می‌دانند، در حالیکه این شاخص نوعی تنزل در شاخص بلوغ اجتماعی تاریخی است. نخبگان در احزاب، جناح‌های سیاسی، در بستر تاریخ به همدیگر می‌آموزند تا همدیگر را تحمل کنند و به قواعد بازی تن در دهند. اقلیت سیاسی به اکثریت می‌آموزد تا او را متحمل کند و در صورتیکه اکثریت و یا اقلیت، طرف مقابل را نپذیرد، با واکنش جدی مواجه خواهد شد. تحمل اقلیت توسط اکثریت و یا خویشتن داری اقلیت در مرحله انتظار، شاخصی از بلوغ اجتماع تاریخی، ولی شاخصی در سطح متنازل است. این شاخص به منزله ملاک توسعه سیاسی است و در فلسفه سیاسی مورد تبیین قرار می‌گیرد.

شنیدن صدای گروهی از نخبگان توسط گروهی دیگر از نخبگان، حد عالی بلوغ نیست؛ بلکه شنیدن صدای لرزان کودک دچار لکنت زبان، صدای بغض آلود کودک نابینا، کلمات مبهم کودک کم توان ذهنی، صدای غیر شفاف کودک ناشنوا، صدای در دل نهفته معلول جسمی، حد عالی بلوغ و مدنیت ملهم از مدینه‌النبی است. شنیدن صدای یک نخبه توسط نخبه‌ای دیگر، تن در دادن به حق اوست ولی شنیدن صدای یک معلول توسط یک نخبه، فروتنی نسبت به حق او و شاخصی از تعالی در جامعه چند صدایی است. این سخن از نظر فلسفه تعلیم و تربیت و احتمالاً از نظر فلسفه سیاسی، تبیین‌پذیر است.

حداقل سه درصد افراد جامعه از نوعی معلولیت بارز رنج می‌برند. بر این پایه، حدود یک میلیون و هشتصد هزار نفر از افراد و حدود ششصد هزار نفر از دانش‌آموزان در کشور ما از یکی از انواع بارز معلولیت ذهنی، بینایی، شنوایی، جسمی - حرکتی، رفتاری، گفتاری، یادگیری و معلولیت چند گانه، رنج می‌برند. به پایه آماری دیگر، حدود ۱۵ درصد افراد به ویژه در سنین آموزشی و پرورشی، دارای نیازهای ویژه می‌باشند. با این مفروض، حدود دو میلیون و هشتصد هزار دانش‌آموز به حمایت ویژه‌ای هر چند جزئی نیاز دارند.



همایش حقوق کودکان و دانش آموزان استثنایی

برای اعمال پشتیبانی با دوروش تشکیل سیستم ویژه و تأمین نیازهای ویژه در متن سیستم طبیعی، به قوانین خاص، تعریف شده، روشن و حمایت کننده نیاز است. تدوین قانون و سیاست گذاری کلان مستلزم مشارکت بخشها و حوزه‌های مختلف می‌باشد. شناسایی، پیشگیری و توانبخشی گروههای معلول بدون مشارکت سازمان بهزیستی، وزارت بهداشت و درمان، وزارت آموزش و پرورش و شوراهای محلی و وجود قانون خاص، میسر نیست. آموزش و پرورش آنها به روشها و منابع متنوعی اعم از آموزش و پرورش ویژه و یا فراگیر، نیازمند است؛ تردد آنها در معابر عمومی به مهندسی ویژه شهرسازی نیاز دارد. بدلیل امکان بیشتر ابتلا به بیماریها، به حمایت سازمان تأمین اجتماعی احتیاج دارند. برای اشتغال آنها و برخورداری از مسکن مناسب به مشارکت وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت مسکن و شهرسازی و نظام بانکی نیاز است. برای برخورداری از امکانات فرهنگی و عمومی و اصلاح نگرش جامعه نسبت به آنها به همکاری سازمان‌های فرهنگی، وزارت ارشاد، مطبوعات و صدا و سیما، نیازمندند. برای کاهش دشواریهای تحصیلات عالی، مشارکت وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری ضروری است، برخورداری مشارکت آنها در امر ورزش بدون همکاری سازمان تربیت بدنی میسر نیست. برای حفظ حقوق خانوادگی و اجتماعی آنها وزارت دادگستری و دستگاه قضایی به عنوان نماینده مدعی العموم، باید مداخله کند. هماهنگی نهادها در این امور به تدوین و تصویب قوانین خاص و سیاستگذاری کلان، نیازمند است. در اولین گام، ضروری است سیاست کلان کشور در حمایت از معلولان با حضور نمایندگان سازمانهای مذکور، در شورایی به ریاست رئیس جمهور، تشکیل و سیاست هماهنگ و قوانین خاص را از طریق هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی، پیگیری کند.